

درآمدی بر باستان‌شناسی نهاوند

محمود ایراندوست

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

اشاره:

آنچه می‌خوانید یکی از مقالات برگزیده‌ی چهارمین همایش نهاوندشناسی است که در شهریور ۱۳۸۰ با حضور دانشگاهیان و علاقه‌مندان توسط نویسنده‌ی آن، آقای محمود ایراندوست، قرائت گردید. ضمن تشکر از نویسنده‌ی محترم توفیق ایشان را در شناختن و شناساندن هرچه بیش‌تر موارث فرهنگی نهاوند آرزو می‌کنیم.

«فرهنگان»

مدخل:

- نهاوند یکی از مناطق بسیار قدیمی و تاریخی ایران و بلکه خاورمیانه است. این ناحیه به لحاظ داشتن امکانات طبیعی و اقلیمی نسبتاً خوب همواره جایگاه زیستی مناسبی برای انسان اولیه بوده است. خاک مناسب، پوشش گیاهی مرغوب و انبوه، آب کافی و تنوع

اقلیمی از مواردی است که باعث شده است این ناحیه یکی از خاستگاه‌های اصلی کشت غلات در منطقه‌ی غرب ایران باشد.

برای شناخت پیشینه‌ی این ناحیه‌ی باستانی باید کمی به عقب برگردیم و به منشأ زیستی این بخش از ایران توجه نماییم. یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ زندگی انسان دگرگونی در شیوه‌ی اقتصاد معیشتی شکار و گردآوری خوراک و روی آوردن به شیوه‌ی زندگی یکجانشینی بوده است. از زمانی که انسان برگستره‌ی گیتی پدیدار شده است تا حدود ده هزار سال پیش، معاش خود را از راه شکار و گردآوری غذا تأمین می‌کرد.

نیاکان ما در این زمان بسیار طولانی به جز پرداختن به نقاشی‌هایی در غارها و ساختن ابزارهای سنگی با کیفیت بسیار خوب، تحول چشم‌گیر و دوران‌سازی را به وجود نیاورده‌اند. ولی از حدود ده هزار سال پیش تا کنون تحولاتی در جامعه‌ی بشری رخ داده که به شکل حلقه‌های پیوسته‌ی یک زنجیر انسان را از زندگی ساده‌ی مبتنی بر اقتصاد معیشتی شکار و گردآوری غذا به عصر سفرهای فضایی رسانده است. (۱)

انسان‌ها به مرور زمان تجربه‌ی لازم را کسب کردند و توانایی اهلی کردن جانوران و پرورش گیاهان پیرامون خود را به دست آوردند و همین که به زندگی یکجانشینی روی آوردند موفق شدند خوراک بیش‌تر و بهتری تولید کنند و این عامل منجر به افزایش جمعیت و فعالیت‌های گسترده در زمینه‌ی‌های مختلف فرهنگی شد. این سیر حرکت انسان از غارها و غارنشینی به دشت و مدل یکجانشینی را در منطقه‌ی مورد بحث ما یعنی «نهایند» به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

غار و غارنشینی در منطقه‌ی نهایند

وجود بیش از هجده غار بزرگ و کوچک در قلب رشته کوه‌های گرین که همگی مشرف بر دشت نهایندند، بیانگر این نکته است که انسان اولیه توانسته است خود را با محیط منطقه وفق دهد و در این غارها سکناگزیند.

وجود پس‌مانده‌ها، تیغه‌های سنگی آرتیفکت و اکوفکت، ریز تیغه و درشت تیغه و

بعضاً وجود سفال، از سری سفال‌های اولیه و سفال‌های دوره‌ی نوسنگی، نشان می‌دهد که به‌طور قطع این منطقه در پانزده هزار سال پیش نیز مسکونی بوده است.

هر یک از این غارها جایگاه ویژه‌ای برای شناخت پیشینه‌ی فرهنگی و تاریخی انسان‌های این ناحیه دارد. یکی از نقاطی که در آن یافته‌های انسان‌های اولیه‌ی غارنشین به دست آمده پناهگاه صخره‌ای یا «غار هومکه» است. این اثر در ۱۲۰۰ متری جنوب روستای «تاریک دره‌ی علیا» در کناره‌ی ضلع شمالی کوه قرار گرفته است.

مکان فوق به صورت یک تورفتگی مثلثی شکل است. عمق غار از ابتدای صخره‌ی سنگی که به صورت یک پیش‌آمدگی است تا انتهای غار حدود ۱/۷ متر است.

طی بررسی‌های به عمل آمده قطعاتی سفال دست‌ساز و ادوات سنگی تراش داده شده که از حفاری‌های غیرمجاز در کف غار انجام گرفته به دست آمده است. از مکان‌های دیگر، «غار سرشرون» در ۱۵۰ متری جبهه‌ی شمالی کوه مجاور روستای «تاریک دره علیا» است. (۲)

چنان‌که گفته شد، انسان‌ها پس از گذر از این مرحله (غارنشینی) به مرحله‌ی بعد (روستانشینی) و به تبع آن گذر از مرحله‌ی شکار و گردآوری خوراک به مرحله‌ی بوستان‌کاری و تولید خوراک، از کوهپایه‌ها و غارهای منطقه به سوی دشت سرازیر شدند و در نقاطی که اغلب در جوار منابع آب بوده است استقرار یافتند.

زمان‌شناسی^(۱) استقرارهای اولیه در دشت نهاوند

طی بررسی‌های باستان‌شناختی نقاط مهمی در دشت نهاوند دیده شده که نشان از تحول و پیشرفت زندگی انسان‌های پیش از تاریخ دارد. نقاطی مانند: «تپه‌ی زرامین Zarrāmin»، «تپه‌ی جمشیدی Jamshidi»، «تپه‌ی گیان Giyān»، «تپه‌های هفت‌چشمه‌ی دارعلی Haft cheshme DārAli»، «تپه‌ی تازناب پایین Tāzenāb»، «تپه‌ی مهین آباد ۱ و ۲،

«تپه‌ی گاوکش Gāvkoš»، «تپه‌ی عسل مست Asal Mast»، «تپه‌ی Mahin Abād»، «تپه‌ی چقامامی Chogāmāmi»، «تپه‌ی صفر Safar»، «تپه‌ی خورد دره Khord darre»، «تپه‌ی یزدان Yazdān» و بسیاری از نقاط دیگر که نشان از استقرارهای اولیه در این منطقه است.

جهت شناخت پیشینه‌ی اسکان و استقرار در دشت نهاوند نقاطی را همراه با تاریخ تقریبی آن‌ها براساس مطالعه بر روی سفال‌های هر ناحیه در ذیل می‌آوریم:

۱) تپه‌ی زرامین: ۳۰۰ متری جنوب شرقی زرامین، از نظر زمان‌شناسی (کرونولوژی) هزاره‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم پیش از میلاد و کالکولتیک و نئولتیک.
 ۲) تپه‌ی جمشیدی: ده کیلومتری غرب تپه‌ی گیان، هزاره‌ی چهارم تا هزاره‌ی اول پیش از میلاد.

۳) تپه‌ی گیان: جنب روستای گیان، هزاره‌ی چهارم تا اول پ.م همزمان با تپه‌های سیلک کاشان و موسیان خوزستان. (۳)

۴) تپه‌ی هفت چشمه‌ی دارعلی: هزاره‌ی دوم و اول پ.م. پنج کیلومتری روستای تازناب علیا

۵) تپه‌ی تازناب پایین: جنوب غرب روستای تازناب سفلی، هزاره‌های اول، دوم، سوم پ.م

۶) تپه‌ی چقامامی: حدود ۲۰۰۰ متری شمال روستای فاماست، هزاره‌ی اول و دوم پ.م

۷) تپه‌ی مهین آباد ۱ و ۲: ۵۰۰ متری و یک کیلومتری شمال روستای مهین آباد، هزاره‌های اول و دوم و سوم

۸) تپه‌ی یزدان: ۱۰۰۰ متری غرب روستای برجکی. دوره‌ی نئولتیک و هزاره‌های دوم و اول پ.م

۹) تپه‌ی بابایی Bābāei: ۲۰۰ متری سیاه‌دره و تاریک‌دره در بخش اراضی مربوط به روستای ده کبود، دوره‌های کالکولتیک، هزاره‌ی اول پ.م

۱۰) قلعه‌ی دخترگبر: Qala Dokhtar Gabr ۱۰۰۰ متری شمال شرقی روستای کنگاور

کهنه، کانکولتیک، پارت و ساسانی

(۱۱) تپه‌ی شریف‌آباد A: Sharif Abād: ۱۰۰۰ متری غرب روستای شریف‌آباد هزاره‌ی دوم و اول پ.م.

(۱۲) تپه‌ی گاوکش Gāvkoš: ۵۰۰ متری جنوب‌غربی روستای چم‌کبود. هزاره‌ی سوم، دوم و اول پ.م (دالما و گودین VI)

و بسیاری از نقاط دیگر که همگی از استقرارهایی از هزاره‌ی پنجم و ششم قبل از میلاد تا دوره‌ی مادها خبر می‌دهند.

زمان‌شناسی استقرارهای دوره‌ی تاریخی در دشت نهاوند

هم‌چنین با بررسی‌های انجام شده آثاری از دوره‌های مختلف تاریخی و دوره‌ی

اسلامی نیز دیده می‌شود که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

۱ تپه‌ی چشمه‌زار Chesmezār: ۸۰۰ متری جنوب‌شرقی روستای کوتاه دره، دوره‌های پارت و ساسانی و اسلامی

۲ قلعه‌ی دخترگبر: که قبلاً اشاره شد از کالکولتیک تا پارت و ساسانی

۳ تپه‌ی سراب sarāb: ۲۰۰ متری غرب کنگاور کهنه، دوره‌های پارت و ساسانی

۴ تپه‌ی شریف‌آباد a, b: Sharif Abād: مادی، پارتی، اسلامی

۵ تپه‌ی سرته Sartape: مجاورت روستای گنبد کبود، پارت و ساسانی و اسلامی

۶ تپه‌ی سرمرز: Sarmarz: جنوب‌غربی روستای تپه‌علی، دوره‌های پارت و ساسانی

۷ تپه‌ی گوره: Gure: ۶۰۰ متری غرب روستای احمد‌آباد سفلی، پارت و ساسانی

۸ قلعه‌ی جولاخانه: Qala Juolā khāne: ۳۰۰ هزار متری جنوب‌غربی روستای

تاریک‌دره‌ی علیا، دوره‌های پارت و ساسانی

۹ تپه‌ی دم کبود سراب: Dom Kaboud Sarāb: ۵۰ متری غرب قلعه‌ی جولاخانه

دوره‌های پارت و ساسانی

۱۰ تپه‌ی دهنو عبدالملکی: Dehnoo Abdolmaleki: پارت و ساسانی و اسلامی

(۱۱) تپه پست تپه Posht Tape: ۱۰۰۰ متری شمال روستای دهنوعبدالملکی، پارت و ساسانی و اسلامی

(۱۲) تپه عبدالملکی: Abdolmalki: ۶۰۰ متری شرق روستای عبدالملکی. پارت و ساسانی

(۱۳) بقایای تپه آتشکده یا طبل خانه Tabl Khāne: چسبیده به قبرستان روستای گره چقا، دوره های سلوکی، پارتی، ساسانی.

(۱۴) تپه کهریز سلیم: Kahriz Salim: ۱۵۰۰ متری جنوب غرب روستای کهریز سلیم، دوره های پارت، ساسانی، اسلامی.

(۱۵) قلعه دن قلعه Dan Qala: بر روی ارتفاع غربی مجاور روستای تاریک دره ی علیا، دوره ی پارت و ساسانی که کاملاً تخریب شده است. (۴)

(۱۶) قلعه گبری محمدآباد و قلعه گبری ظفرآباد: هر دو در ۸۰۰ و هزارمتری جنوب روستاهای محمدآباد و ظفرآباد. دوره های مختلف پارت، ساسانی و اسلامی

و بسیاری از نقاط دیگر مانند؛ تپه فیروزآباد Firooz Abād، محوطه ی قلاع شیرزاد Qelā Shirzād، تپه بره فراخ Bara Frākh، زیت علی تپه Zait Ali Tape، بقایای تپه فلاکوره Qelākoore، تپه روستای کهریز صفی خانی Kahriz Safi Khani، تپه سیل اسماعیل بگ Sil Esmāiel Bag تپه ی چوق قاسم: Coogh ghāsem، تپه مورچگان Moorchegān، تپه ی بزرگه Bozorge، تپه ی الله کرم، تپه ی چهل خاوری Chēhelāvāri Kh و حدود ۱۵۰ تپه ی دیگر که همگی دارای آثاری از دوره های پارت و ساسانی و دوره های مختلف اسلامی هستند (۵) و هر کدام از اهمیت ویژه ای جهت مطالعات باستان شناختی برخوردارند.

با توجه به نکاتی که گفته شد می توان دریافت که این منطقه در تمامی دوره های استقرار، آباد و پرجمعیت و پررونق بوده است. اوج پیشرفت و تحول این ناحیه در دوره های پارت و ساسانی است. نقاط بررسی شده نشان می دهد که نهانند در دوره های

پارتی و ساسانی و اوایل اسلام یکی از مراکز مهم سیاسی اقتصادی به شمار می‌رفته است. سکه‌های ضرب شده در ضربخانه‌ی نهاوند در دوران مذکور گواه این مطلب است. سکه‌هایی از پادشاهان پارتی من جمله فرهاد چهارم و مهرداد دوم در نهاوند ضرب شده است. در دوره‌ی ساسانیان نیز ضربخانه‌ی نهاوند هم‌چنان به رونق خود ادامه داد. در این میان شاهانی مانند خسرو اول (انوشیروان)، هرمز چهارم، بهرام ششم، خسرو دوم (پرویز) و ملکه پوران دخت اقدام به ضرب سکه در نهاوند نموده‌اند.

سکه‌های خسرو اول (انوشیروان) ضرب نهاوند مربوط به سال‌های سوم، پنجم، هفتم، نهم، یازدهم، بیست و دوم، بیست و پنجم، بیست و هفتم، سی و یکم، سی و دوم، سی و ششم، چهل و سوم، چهل و هفتم و چهل و هشتم است. (۶) سکه‌های ضرب شده‌ی مربوط به هرمز چهارم در نهاوند مربوط به سال‌های دوم، ششم، هفتم، نهم، یازدهم حکومت وی است. (۷) سکه‌های بهرام ششم ضرب نهاوند مربوط به سال یکم حکومت اوست.

سکه‌های ضرب نهاوند خسرو دوم (پرویز) مربوط به سال‌های سوم، چهارم، هفتم، سیزدهم، پانزدهم، هفدهم، بیست و دوم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و نهم، سی‌ام، سی و دوم، سی و پنجم، سی و ششم حکومت وی است. (۸)

و سکه‌های ملکه پوران دخت ضرب نهاوند مربوط به سال‌های اول حکومت اوست. در اوایل اسلام نیز در نهاوند سکه ضرب شده است. از جمله سکه‌های عرب ساسانی که بیش‌تر بر روی سکه‌های خسرو دوم ضرب گردیده است. هم‌چنین در زمان امویان با کلمه‌ی «ماه البصره» بر روی سکه‌های این دوره مواجه هستیم که همان نهاوند است. هم‌چنین نهاوند در زمان عباسیان محل ضرب سکه بوده است. سکه‌های این دوره نیز با علامت ماه البصره (نهاوند) شناسایی شده‌اند.

در مورد اهمیت نهاوند در دوره‌های مختلف می‌توان به متون و نوشته‌های متعدد مورخین و جغرافی‌دانان مسلمان نیز توجه داشت. از جمله:

- (۱) ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله خرداذبه از نویسندگان مهم قرن سوم در کتاب مسالک الممالک ۲۳۲ هـ ق (۹)
- (۲) احمد بن یعقوب در کتاب البلدان (۱۰)
- (۳) ابوعلی احمد بن رسته در کتاب اعلاق النّیسه در قرن سوم هجری (۱۱)
- (۴) کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب، در سال ۳۷۲ هـ ق (۱۲)
- (۵) ابواسحاق ابراهیم بن محمد استخری، در کتاب الممالک (۱۳)
- (۶) ابوالقاسم محمد بن حوقل البغدادی، در کتاب صورة الارض ۳۶۶ هـ ق (۱۴)
- شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی در اواخر قرن چهارم هـ ق، در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (۱۵)
- (۷) ابوالفرج قدامة بن جعفر در کتاب الخراج، قرن ۴ هـ ق
- (۸) عمر بن مهلهل الخزرجی ینبوعی (ابودلف) در قرن چهارم هـ ق در کتاب خود به نام سفرنامه‌ی ابودلف (۱۶)
- (۹) ابوالعباس یحیی بن جابر بن داود البلاذری بغدادی، در کتاب فتوح البلدان در قرن سوم هـ ق (۱۷)
- (۱۰) ابو عبدالله حمزة بن حسن اصفهانی، در کتاب سنی الملوک الارض و الانبیاء، در سال ۳۵۰ هـ ق (۱۸)
- (۱۱) ابو سعید عبدالکریم بن محمد سمعانی در کتاب الانساب، بین سال‌های ۶۱۶-۵۶۲ هـ ق
- (۱۲) عمادالدین زکریا محمود قزوینی در کتاب آثار البلاد در قرن هفت هـ ق (۱۹)
- (۱۳) صمدالله بن ابوبکر مستوفی قزوینی در کتاب نزهة القلوب، قرن هشت هـ ق
- (۱۴) شمس الدین عبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری دمشقی در کتاب نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر
- (۱۵) ابوالفداء در تقویم البلدان

۱۶) زین‌العابدین شیروانی، در کتاب بستان‌السیاحه (۲۰)

۱۷) اعتمادالسلطنه (صنیع الدوله) در کتاب مرآة‌البلدان (۲۱)

۱۸) اوژن فلاندن، در سفرنامه‌ی خود که بین سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ م. در ایران

نوشته است. (۲۲)

این‌ها همگی در مورد اقلیم، جغرافیا و تاریخ نهاوند، مطالب مبسوطی را نقل کرده‌اند. فلاندن در توصیف قلعه‌ی بزرگ و مهم دوره‌ی ساسانیان که در تپه‌ی مرکزی شهر نهاوند قرار داشته است، می‌نویسد:

«خود را به قلعه‌ای که مشرف به شهر و محل حاکم است رسانیدیم. سبک قرون وسطای اروپا را دارد و به نظر می‌رسد که برای حفاظت شهر ساخته‌اند. دیوارهایش کنگره‌دار [است]. دور تا دورش را خندق‌ی پهن و گودکنده‌اند. به طرفین دروازه‌اش دو برج محکم و بزرگ است که قسمت فوقانی‌اش سوراخ‌های کوچکی برای تیراندازی دارد. آستانه‌ی در بسیار بلندتر از زمین مقابل خندق می‌باشد و از این جهت بر روی خندق پلی چوبی سراسیب‌مانند انداخته‌اند که به راحتی می‌توان از آن عبور کرد.»

امروزه اثری از قلعه‌ی باشکوه نهاوند وجود ندارد. هم‌چنانکه گفته شد بنیاد اصلی قلعه مربوط به اواخر دوره‌ی ساسانیان است و بعد از آن بارها ویران و مجدداً ساخته شده است. بر اثر حفاری‌هایی که توسط اهالی محل برای ایجاد سازه‌های مسکونی انجام می‌شود هر از گاهی آثار ستون‌های سنگی، سرستون و پایه ستون‌های ساسانی از درون خاک خارج می‌گردد.

این منطقه که امروز به پای قلعه معروف است حدوداً در شمال شهر واقع شده و بر روی یک تپه‌ی طبیعی مشرف به شهر قرار گرفته است. اکنون این منطقه بافت قدیمی شهر نهاوند را تشکیل می‌دهد. محل مذکور به لحاظ وجود معبد لائودیکه در زمان آنتیوخوس سوم و وجود دژ مستحکمی که نام برده شد، مملو از آثار فرهنگی است که همه‌ی این آثار در دل خاک مدفون گشته و خانه‌های مسکونی اهالی بر روی آن بنا نهاده شده است.

با بررسی نگارند که در بهار ۱۳۷۹ شمسی انجام شد، در یکی از خانه‌های مسکونی، که دقیقاً در بالای معبد بنا نهاده شده است، آثاری از ستون‌های سنگی و پله‌های سنگی کنده کاری شده به دست آمد که در ابعاد مختلفی مجدداً در بنای همان حیاط استفاده شده است. آثار ستون‌های سنگی به دست آمده بسیار شبیه به ستون‌های معبد آناهیتای کنگاور است.

آثار سنگی جالب توجه دیگری در حمام حاج آقا تراب (واحد میراث فرهنگی) وجود دارد که از منطقه‌ی پای قلعه ضمن بررسی‌های قبلی میراث فرهنگی به دست آمده است. از جمله سر ستون سنگی با شیوه‌ی تزیینات حلزونی شکل و بسیار شبیه به سر ستون‌های گچی دوره‌ی پارت و ساسانی موجود در موزه‌ی بریتانیا (بریتیش میوزیوم) و سر ستون‌های سنگی ناحیه‌ی خوره Khorhe محلات است (۲۳). خمره‌های بسیار زیبا و بزرگی از دوره‌ی ساسانیان با تزیینات خاص بندانگشتی این دوره موجود است که در همان محل حمام حاج آقا تراب نگهداری می‌شوند.

- تعدادی پایه‌ی ستون مکعبی نیز با حجاری‌های گل و گیاه و نقوش اسلیمی در داخل حمام به چشم می‌خورد.

- در بررسی و کاوش‌های سال ۱۳۳۷ خورشیدی که توسط اداره‌ی کل فرهنگ و هنر همدان و اداره‌ی کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران و هیئت بررسی باستان‌شناسی استان کرمانشاهان انجام گرفته است، تعدادی ستون سنگی، سر ستون و پایه‌ی ستون سنگی با تزیینات کنگره‌دار از دوره‌ی ساسانی در محل پای قلعه به دست آمده است. - علاوه بر آثار یاد شده، حمام‌های متعدد مربوط به دوره‌های صفوی و قاجاری، مسجد جامع با قدمت بسیار زیاد، بافت قدیمی و خانه‌های سنتی با تزیینات آجرکاری زیبا، پل‌های دوره‌ی قاجاری در اطراف شهر، امام‌زاده‌ها، کاروانسراهای درون شهر که مربوط به دوره‌ی قاجاریه‌اند همگی از جنبه‌های مختلف جذب گردشگری حائز اهمیت فراوان هستند.

- حمام‌های حاج آقا تراب، گرمابه‌ی قاضی، گرمابه‌ی بازار، که همگی از نظر ساختار معماری از یک سبک تبعیت می‌کنند از آثار مهم و تاریخی نهاوند محسوب می‌شوند. حمام حاج آقا تراب - این حمام شامل ۳ بخش، بینه، میان در و گرم‌خانه است. درون حمام از طاق‌نماهای بسیار زیبا و با طاق‌های جناقی و ضربی تشکیل شده است. کاشیکاری بسیار زیبا در ضلع شمالی که نبرد رستم با دیو سفید را نمایش می‌دهد از نمونه‌های با ارزش دوره‌ی قاجاریه است.

طاق‌ها و گنبد‌های حمام بر روی ستون‌های چهارگانه سنگی با شیوه‌ی تزیینات ماریچی استوار است. گرم‌خانه‌ی حمام نیز بر روی چهار ستون سنگی به همان سبک ستون‌های بخش حمام سرد قرار گرفته است.

گرمابه بازار - این حمام با قدمتی بیش‌تر، مربوط به دوره‌ی صفویه است و دارای حجره‌ها، رخت‌کن‌ها با سقف قوسی جناقی است. حمام سرد توسط یک هشتی به حمام گرم متصل می‌شود. طاق‌های جناقی و ضربی متعدد این حمام در نوع خود جالب توجه است. گرمابه قاضی - این حمام نیز که امروزه با تغییر کاربری به قهوه‌خانه سنتی تبدیل شده است دارای همین سبک و طاق و قوس است.

کاروانسرای سنگ میل Sang meel، سرای گلشن Sarāye Golshan و سرای سعادت Sarāye Sa,ādat که همگی مربوط به دوره‌ی قاجاریه است در راسته‌ی اصلی بازار نهاوند واقع شده‌اند. در چوبی کاروانسرای گلشن و سردر ورودی کاروانسرای سعادت در نوع خود بسیار زیبا و دیدنی است.

مسجد جامع بازار که از سری مساجد اولیه‌ی اسلامی است نیز از بناهای مهم تاریخی نهاوند محسوب می‌شود. این بنا در ضلع شمال‌غربی میدان قیصریه واقع شده است و به نظر می‌رسد بنای آن مربوط به سده‌های اولیه‌ی اسلامی باشد. ساختار اصلی بنا نشان می‌دهد که از سری مساجد یک ایوانه است که در اوایل اسلام ساخته می‌شدند. این مسجد بارها مرمت

شده است. طاق‌های جناقی و ضربی آن بر روی ستون‌های مکعبی بسیار ضخیمی استوار شده‌اند. محراب مسجد در ضلع جنوبی آن واقع شده و دارای طاقی جناقی است. مسجد حاج خدارحم نیز که در بافت قدیم شهر واقع شده است، مربوط به دوره قاجاریه است و سبک ساختمان سازی این دوره را دارد. طاق‌های گهواره‌ای و نعل اسبی متعددی که بر روی ستون‌های مکعبی استوار است زیبایی خاصی به این بنا داده است. مسجد حاج آقا تراب در جانب چپ حمام آقا تراب با سبکی بسیار شبیه مسجد حاج خدارحم نیز از بناهای مهم دوره قاجاریه نهانند است. (۲۴)

مقبره‌ی نعمان بن مُقَرَن مَرَنی که تقریباً در پنج کیلومتری شمال نهانند واقع شده است نیز یکی دیگر از آثار مهم تاریخی نهانند است و بررسی تشریحی این آثار دقت و برنامه‌ریزی جامعی را می‌طلبد.

با وجود تنوع و گستردگی آثار این منطقه باید خاطرنشان ساخت که در گذر زمان بسیاری از آثار منطقه به دلایلی ویران شده‌اند که مهم‌ترین این دلایل عبارت‌اند از:

۱- تداوم سکونت در طول زمان:

نهانند به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش همیشه نقطه‌ی مهمی محسوب می‌شده به همین دلیل با وجود تخریب‌های مکرر و سکونت‌های مقطعی، هم‌چنان پایرجا مانده و به حیات و موجودیت خود ادامه داده است و مانند شهرهایی چون شوش و استخر از بین نرفته و یا مانند شهر نیشابور تغییر مکان نداده است.

این شهر اگر زمانی به دلایلی از رونق می‌افتاد یا متروک می‌گردید، بعد از چندی دوباره احیای می‌شد و رونق خود را از سر می‌گرفت. و این تجدید حیات‌ها هر یک موجب ماندگاری آثاری در این شهر تاریخی می‌شد. بعد از شکست ایرانیان در آخرین نبردشان با اعراب، نهانند به دست خلفای راشدین و پس از آن به دست بنی‌امیه افتاد و یکی از ایالت‌های زمان خلفا به حساب می‌آمد. در زمان عباسیان هم در دوران خلافت معتضد

(۲۸۱-۲۷۹ ه‍.ق) حارث بن عبدالعزیز بن ابودلف بر نهاوند استیلا یافت. (۲۵)

بر همین اساس نهاوند در دوره‌های بعد از جمله زمان سامانیان، آل بویه و خاندان حسنیویه، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان، تیموریان، صفویان، افشاریه، زندیه و قاجار دارای رونق و اعتبار خاصی بوده و هیچ‌گاه خالی از سکنه نشده است.

۲) کم‌دوام بودن مصالح ساختمان

بناهای این شهر از بعد از قرن سوم با مصالح پست‌تری ساخته می‌شد. از جمله عموماً در ساخت آن‌ها لاشه‌ی سنگ چخماق یا قطعه سنگ‌های چهارگوش نشانده در ملات ضخیم به کار می‌رفت. مانند بین‌النهرین که آجر و خشت هم در دسترس بود و روی آن را با گچ می‌پوشاندند. این مصالح شکننده و بی‌دوام بود. برای ظرافت بیش‌تر غالباً از تیرهای چوبی استفاده می‌کردند. گاهی سنگ تراشیده نیز به کار می‌بردند. آن هم برای پی‌سازی یا در بخشی از بنا یا برای پوشاندن قلوه سنگ‌ها. (۲۶)

گفتنی است در کاربرد مصالح این شهر به شرایط اقلیمی توجه نشده، در صورتی که این نکته از اهمیت ویژه‌ای در معماری منطقه برخوردار است. چنان‌که در سرزمین فارس به دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند زلزله ساختمان‌ها از سنگ و ملات مقاوم ساخته می‌شد. اما در نهاوند، هر چند بر روی کمربند زلزله قرار داشته است، در ساخت بسیاری از بناها از خشت استفاده می‌کردند.

خشت از دیرباز در بناهای نهاوند و پیرامون آن به کار برده می‌شد. همان‌طور که در ساختمان قلعه‌ی بابا قاسم مشاهده می‌شود. در دوران اسلامی نیز این روند ادامه داشته است. بنابراین معماری خشتی در نهاوند با وجود داشتن معادن سنگ فراوان مورد توجه بوده است. این امر باعث می‌شد که تابستان‌های گرم و زمستان‌های سرد و خشک قابل تحمل گردد. خشت خام از مصالحی بود که زیاد مورد استفاده قرار می‌گرفت زیرا با توجه به حجم فوق‌العاده‌ی آن عایق سرما بود.

دیوارهای حیاط و اتاق‌خانه‌ها غالباً با خشت ساخته می‌شدند. روند معماری خشتی

تا اوایل دهه‌ی ۱۳۲۰ شمسی در نهاوند ادامه داشت و سپس متوقف یا کند گردید و معماری مدرن به صورتی تهاجمی جایگزین معماری سنتی گردید. در عین حال هنوز هم خانه‌های خشتی قدیمی که مسکونی هستند در بافت سنتی نهاوند فراوان یافت می‌شوند. از آجر نیز در ساختن بنا استفاده می‌شده است. ولی بعد از این که بناهای مذکور از رونق می‌افتاد، دیری نمی‌پایید که مصالح آن به یغما می‌رفت. ساختمان‌ها و تپه‌هایی که بر اثر آوار به صورت تلی از خاک درآمده‌اند مصرف دیگر پیدا کرده بودند. از خاک حاصل از متلاشی شدن خشت‌ها برای کشاورزی بهره می‌بردند. هم‌چنان که از قلعه باباقاسم پس از این که تخریب شد و از خاک تپه‌ی گیان برای زمین‌های مزروعی استفاده شده است.

۳) عوامل انسانی مانند جنگ‌ها و تخریب‌های ناشی از آن:

از عوامل دیگر تأثیرگذار بر نهاوند در دوران پس از ساسانیان حمله‌ی اعراب به این شهر بوده است. از نوشته‌های مورخین چنین برمی‌آید که نهاوند در سال ۲۱ هجری گشوده شد و فیروزان شهر را تسلیم سپاهیان عرب نمود. به نظر می‌رسد این حمله خرابی و خسارت فراوان به شهر وارد ساخته باشد. در این جنگ به استناد گفته‌ی ابن خلدون به هنگام تقسیم غنایم نهاوند به هر سوار شش هزار درهم و به هر پیاده دو هزار درهم رسید.

از نبردهای ویرانگر دیگر، که در نهاوند اتفاق افتاد، نبرد قحطبه بن شیب فرستاده‌ی ابومسلم خراسانی با مروان بن محمد آخرین خلیفه‌ی آل مروان است که بر اثر آن نهاوند به مدت سه روز نهاوند در محاصره قرار گرفت. نبردها و اتفاقات دیگری از جمله ویران شدن قلعه‌ی نهاوند در عصر صفویه از عوامل تخریب بناهای تاریخی در دشت نهاوند بوده است.

۴) عوامل آب و هوایی مانند سیل و طغیان رودهای گاماسیاب و غیره

هم‌چنان که گفته شد مورخان و جغرافی‌دانان در خوبی آب و هوا و مرغوبیت خاک نهاوند مطالب زیادی در کتاب‌های خود نوشته‌اند و شواهد زیادی عرضه کرده‌اند. آن‌ها آب و خاک نهاوند را از بلایای آسمانی مبرا دانسته‌اند و میوه‌های آن را برشمرده‌اند. ولی در بین نوشته‌های آنان خلاف آن را نیز می‌توان مشاهده کرد.

یکی از بلایا سیل‌ها و طغیان‌های رودخانه‌های پیرامون بوده است که باعث از میان رفتن بسیاری از آثار گردیده و چه بسا آثار ارزشمندی را که در خود فروبرده و مدفون کرده است. سیل سال ۱۳۱۷ که ذکر آن رفت از منطقه با روداب در شمال شرق نهاوند شروع شد و باعث ویرانی فراوان گردید.

روی هم رفته مجموعه آثار ذکر شده بیانگر غنای فرهنگی و تاریخی شهر نهاوند است. همین‌جا باید خاطر نشان ساخت که متأسفانه تپه‌ی گیان که یکی از محورهای مهم در باستان‌شناسی و هنر ایران محسوب می‌شود به دست فراموشی سپرده شده است. در حالی که آثار این تپه امروزه زینت‌بخش و یتیم‌های موزه‌ی فرانسه و سایر موزه‌های اروپایی شده است. هر چند کاوش‌هایی در این تپه در سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۱ توسط گیرشمن و کتنو انجام شده است اما به دلیل تجاری و غیر علمی بودن این کاوش‌ها و به دلیل نداشتن لایه‌شناختی و لایه‌نگاری دقیق، هم‌اکنون به یک بررسی علمی و جامع و یک کاوش گسترده نیاز است تا «فرهنگ‌های پیش از تاریخی» منطقه مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد. باید خاطر نشان ساخت که حریم تپه‌ای که در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی توسط حفار ۱۵۰ x ۳۵۰ متر ثبت شده، امروز حتی به کم‌تر از یک سوم این محدوده رسیده است. ضمناً علاوه بر این که اکثر نقاط تپه توسط قاچاقچیان اموال فرهنگی تونل زده شده، سازه‌های مسکونی اطراف نیز قسمت وسیعی از حریم تپه را اشغال نموده و جانب دیگر تپه بر اثر ایجاد راه آسفالت‌ه بریده شده است.

حفاری از تپه‌ی زرّامین Zarrāmin نیز از اهمیت لازم برخوردار است. این تپه قدمتی بیش‌تر از گیان دارد و از نظر هنری و سبکی بسیار غنی و کم‌نظیر است. دقیقاً مشابه هنر سفالگری گیان که در فلات ایران واقعاً نظیر آن‌ها کم‌تر دیده می‌شود. بنابراین تپه‌ی یاد شده در خور یک کاوش گسترده است.

حفاری از تپه‌ی طبل‌خانه یا آتشکده Tabl Kh-ane مورد دیگری است که بسیار

ضروری است. این تپه بر روی قلعه‌ای درست در وسط دشت نهانند واقع شده است. با توجه به فراوانی آثاری از خشت و آجرهای معمول دوره‌ی ساسانی که بر روی برخی از آن‌ها آثار سوختگی مشاهده شده است و با توجه به این که کوه چقا دقیقاً در دشت شمالی نهانند واقع شده و کاملاً مشرف بر کل دشت است، می‌توان گفت که این بنا احتمالاً آتشکده‌ای از زمان ساسانیان بوده است. موقعیت این محل را می‌توان با آتشکده‌ی تپه‌ی ورامین قابل مقایسه دانست. قطعاً حفاری در این محوطه‌ها برای ظاهر نمودن بخشی از عناصر معماری که ممکن است چهارطاقی یا سازه‌های مسکونی و تأسیسات دیگر باشد لازم است.

حفظ و احیای قلعه‌ی باباقاسم که با استواری و صلابت خاصی در دشت جنوبی نهانند واقع شده است و دیواره‌های بلند و قطور آن توجه هر بیننده‌ای را به خود معطوف می‌دارد واقعاً لازم به نظر می‌رسد. هم‌چنین قلعه‌ی دختر گبر با وجود داشتن آثاری از حجاری و کنده کاری، هنوز به صورت ناشناخته مانده است.

در بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه کشورهای اروپایی، ترکیه و آمریکای شمالی به هنگام اتمام فصول کاوش و حفاری در یک تپه، با ایجاد سرپوش و محافظ بر روی قسمت‌های حفاری شده و ایجاد نمایشگاه یا موزه در کنار همان محل کاوش توانسته‌اند موفقیت‌های بسیار خوبی برای جذب گردشگری در منطقه کسب کنند.

حاصل سخن

متأسفانه از چند دهه‌ی پیش تاکنون به میراث فرهنگی کشور عموماً و به میراث فرهنگی شهر نهانند خصوصاً توجهی نشده است. چنانچه می‌دانیم هویت فرهنگی افراد تحت تأثیر محیط پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد و خیلی از اوقات آثار و آفریده‌های زیبای دست‌ساز بشر سبب دلپذیرتر شدن محیط می‌شوند و از این طریق طبیعت تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد.

در جهان ما مظاهر فرهنگ و طبیعت با تمام خصوصیات خوب و بدشان به یکدیگر

نزدیک‌تر می‌شوند. به طور کلی حفظ و بقای میراث فرهنگی که ثمره‌ی تلاش بشر از گذشته به حال است و وظیفه‌ی هر شخص و نهادی است.

ما تا وقتی که راه می‌رویم به این فکر نمی‌کنیم که پا داریم. زیرا پا در راه رفتن بی‌واسطه با ما و در اختیار ماست. اما وقتی که این پا به سنگی خورد و یا اتفاق دیگری برایش افتاد و به از دست دادنش ناگزیر شدیم، آن وقت است که پا نداشتن غم بزرگ ما می‌شود. ما با میراث فرهنگی خود، کم و بیش چنین وضعی داریم. میراث باستانی شیئی جدا از ما نیست که با ما رابطه‌ای نداشته باشد. میراث فرهنگی به ظرف عتیقه‌ای سرطاقچه، یا نسخه‌ای خطی در کتابخانه خلاصه نمی‌شود و گذشته‌ی ما تابوتی نیست که راهی قبرستان شود!

میراث باستانی و سنت گذشته‌ی آن چیزی است که به انسان توانایی و مهارت می‌دهد. ملت‌هایی که میراث باستانی خود را که همان هویت فرهنگی است نابود کرده‌اند و از آن برای پرش به مرحله‌ای بالاتر یاری نجسته‌اند مثل کودکانی هستند که هر چیز را باید از نو بیاموزند. به عبارت دیگر، چنین ملتی باید تاریخ خود را از نو شروع کند. به نظر می‌رسد امروز ما کم و بیش به چنین وضعی دچار شده‌ایم.

نهاوندی که ما در آن رشد و نمو یافته‌ایم، گذشته‌ای بسیار طولانی دارد. این خاک آثار ارزشمندی از دوران‌های مختلف را در دل خود جای داده است. وسعت و گستردگی این یادمان‌ها و ارزش‌های هنری و فرهنگی به حدی است که پژوهش و نگهداری و معرفی آن‌ها رسالتی خطیر و وظیفه‌ای دشوار و سنگین را می‌طلبد.

نهاوند در طول تاریخ خود فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و در هر تاریخی آثار و نشانه‌های ارزنده‌ای از تحول فرهنگی آن به یادگار مانده است. کشف این آثار و اشیاء و تحقیق درباره‌ی آن‌ها چراغ روشنی است که ما را در دهلیزهای تنگ و تاریک تاریخمان به جلو می‌برد و هویت و شخصیت و جایگاه تاریخی ما را نشان می‌دهد. با شناخت و تحلیل این ابزار و دست‌ساخت‌های هنری می‌توانیم به موقعیت تکنیکی،

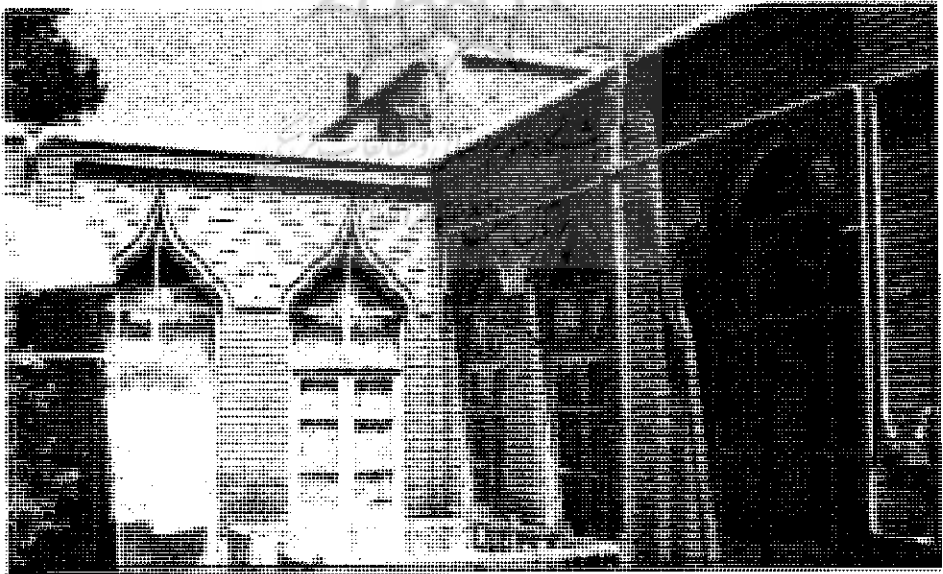
شیوه‌ها و مکاتب هنری-فرهنگی و حتی اعتقادات و باورهای این ناحیه و اقوام و ملل هم جوار آن پی‌بیریم. این ارزش‌ها و نشانه‌های نهفته و آشکار در واقع چکیده و دیباچه‌ی تاریخ فرهنگی و هویت ملت ماست. باید خاطر نشان کرد که متأسفانه میراث باستانی ما در حجم وسیعی رو به ویرانی و چپاول است و عدم توجه جدی مسئولین نیز مزید برعلت شده است.

نگارنده در اکثر بررسی‌هایی که در دشت نهاوند داشته، همیشه با ویرانی و تخریب سامانه (سایت)‌های باستانی روبه‌رو شده است. لایه‌های فرهنگی در این منطقه به کلی مضطرب و درهم ریخته است و در صورتی که بررسی علمی در این منطقه انجام شود تشخیص و تحدید لایه‌ها با مشکل مواجه خواهد شد. همه‌ی ما تصور می‌کنیم که پرداختن به مسئله‌ی میراث فرهنگی یک امر مستحب و غیر واجب است. اما در واقع باید دانست که «میراث باستانی گواه است بر سهم تاریخی مردم در تمدن و قدرت خلاقه‌ی امروز آن‌ها» (....) و همه‌ی اندیشه‌ی امروز محصول خون جگر و خونابه‌ی چشمان انسان دیروز است.»

بی‌شک با برنامه‌ریزی‌های منظم و اصولی و مرمت و احیا و بازسازی این آثار و سرمایه‌گذاری جهت حفظ و نگهداری آن‌ها می‌توان هم زمینه‌های جذب گردشگری را به منظور معرفی هرچه بیش‌تر این شهر تاریخی فراهم کرد و هم بنیه‌ی اقتصادی شهر را تقویت کرد. ایجاد موزه‌ی باستان‌شناسی و یا حداقل موزه‌ی مردم‌شناسی و جمع‌آوری آثار و اشیاء منطقه جهت بازدید عموم یکی از منابع مهم درآمدی و نیز یکی از موارد مهم شناساندن جایگاه نهاوند در تاریخ و فرهنگ ایران است.



نمای جنوبی پل زرامین «پیل لاغه»



نمای یکی از خانه‌های قدیمی نهاوند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نمایی از بافت قدیم نهاوند بخشی از میدان شریعتی

«زیرنویس»

- ۱) علیزاده، عباس «منشأ کشاورزی و دامداری در خاور نزدیک، از دیدگاه باستان‌شناسی جدید» مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، شماره‌ی دوم، بهار و تابستان ۷۴، شماره‌ی ۱۸، ص ۱۹
- ۲) ایراندوست، محمود، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر، ص ۱۷۷
- ۳) ایراندوست، محمود، «حفاری در گیان» فصل‌نامه‌ی فرهنگیان شماره‌ی ۳ مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادیان ص ۹۲ تا ۱۲۲
- ۴) ایراندوست، محمود، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، همان ص ۸۴
- ۵) بررسی‌های میدانی، بهار سال ۱۳۷۹ خورشیدی در دشت‌های شمالی و جنوبی نهاوند
- 6- Gobi, Robert, Sasanian Numismatics Vinna Klinkardt & Biermann, 1971
- 7- Mochiri, Malek iraj; Etude de Numismatiq Iranienne Lous Les sassmi des Arabe-Sassanides; Minestere de Culture des Arts, Tehran 1977
- 8- Paruck. Furdoonjee; Sasanian Coins indological; Book Corporation, New Delhi, 1976
- ۹) ابن خرداد به مسالک الممالک، ترجمه‌ی سعید خاکرند، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران و ۱۳۴۹
- ۱۰) یعقوبی، احمد بن اسحق، البلدان، ترجمه‌ی ابراهیم آیتی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۷
- ۱۱) ابن رسته، ابوعلی احمد، اعلاق النفیسه، ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۵
- ۱۲) حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش ایرج افشار سیستانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۰
- ۱۳) استخری، ابواسحاق ابراهیم، المسالک الممالک، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۰

- ۱۴) ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل البغدادی، صورة الارض، ترجمه‌ی جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۵
- ۱۵) مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه‌ی علی نقی منزوی، تهران شرکت مؤلفان و مترجمان ایران ۱۳۶۱
- ۱۶) ابودلف، سفرنامه، با تعلیقات و تحقیقات، ولادیمیر مینورسکی، ترجمه‌ی سیدابو افضل طباطبایی، انتشارات فرهنگ ایران زمین تهران، ۱۳۴۲
- ۱۷) بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶
- ۱۸) اصفهانی، حمزه سنی الملوك الارض و الانبیاء، ترجمه‌ی جعفر شعار، امیرکبیر تهران ۱۳۶۷
- ۱۹) قزوینی، عمادالدین زکریا محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه‌ی محمد بن مراد بن عبدالرحمن، تصحیح سید محمد شاهمرادی، ج ۱، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۱
- ۲۰) شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه، انتشارات سنایی، تهران ۱۳۳۸
- ۲۱) صنیع الدوله و محمد حسن خان اعتماد السلطنه، مرآت البلدان، ج ۳، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۷
- ۲۲) فلانندن، اوژن، سفرنامه، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ترجمه‌ی حسین نور صادقی، چاپخانه‌ی روزنامه نقش جهان، تهران ۱۳۲۴
- 23- Edward, V, Thompson. "Partian Stucco from worka in the Beritish Museum. Munchen 7-10 Septamber 1976 Berlin.
- ۲۴) کیانی، محمد یوسف، معماری ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۶۵
- ۲۵) استانلی پول، طبقات اسلام، ترجمه‌ی عباس اقبال، ص ۹۱۲ و تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ریچارد فرای، ترجمه‌ی حسن انوشه، امیرکبیر ۱۳۶۲
- ۲۶) پوپ، اپهام، معماری ایران، ترجمه‌ی کرامت اله افسر، انتشارات یساولی